JAMIA HAMDARD
2399
ACC No.
Date 2.7.10.09
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
JAMIA HAMDARD
قسم المخطوطات

۱۲۶

اوده به که اصل و عمود و جزو اعظم اند در اکثر تراکیب بقید اسامی و بیان طبیعت و افعال و منافع
و خواص و مقدار شربات و حصار و اصلاح و دفع آن و ابدال و غیرها انچه متعلق بالست و در
نمابه در ترکیب آن تراکیب موسوم به آنرا و در ین جا بجا مرکباتی که هر یک باسمی خاص موسوم
شده اند تحقیق اسم و وجه ایرا ای انکه جامع و تام باشد مجموع بترتیب حروف تهجی جهت سهولت اخذ
و تلقی در ضمن کتاب ابواب و فصول و بعد اتمام آن بحمد الله و حسن توفیقه باز حب الامر العالی سامی
مدظله العالی متوجه جمع و تالیف کتابی دیگر از ادویه مفرده گردید به اضافه ترتیب حروف تهجی از الف تا یا
ضمن ابواب و فصول ملتقط از کتب معتبره مثله اولیه مانند قانون شیخ الرئیس و اورده به قلیه او
و جامع المالیقی مشهور ربابن بیطار و تذکره شیخ یوسف بغدادی موسوم بالاصح الطبیب جمله معروف
بجامع بغدادی و تذکره شیخ داود انطاکی موسوم بتذکره اولی الالباب ارش و شیخ اسمعیل بن بیطار الله
تحفه تذکره ابو ریحان بیرونی مشهور بسودیدی اختیارات بدیعی حاجی زین الدین عطار و تحفه الیه میر
حکیم میر محمد مومن تنکابنی و قدری از مفردات نواب حکیم معتمد الملوک سدید علوخان قدس سره و غیرها
از کتب یونانیه و فارسیه از دستور الاطبا موسوم به اختیارات قاسمی حکیم محمد قاسم ملقب
بهندوشاه مشهور نوشته و تجربات افضا حکیم میر محمد افضل چند کتاب دیگر از اورده به هدیه حواشی
که حکیم عبد المجید بر تحفه نوشته در اورده به هدیه به و انچه از زبان معجز بیان جناب ارش و تالی مدظله العالی
از تتمه و مقدمه شنیده و خود مولف دیده و دانسته و خواص آنرا دریافته و تجربه رسانیده بدین
نحو که اولا اسم و دارا بقید اعراب و بعض لغات وارده در ان ذکر نماید پس ثانیا طبیعت و
افعال و منافع و خواص انرا بالعموم و الاجمال پس بالخصوص و التفصیل و در اکثر مرادات ترتیب امراض
خصه از فرق تا قدم نموده پس غیر مختصه و خواص متعلقه به ان پس بیان مقدار و اصلاح و دفع آن بحسب
مقدار شربت و سهل آنچه اندیشه ارش را بخاطر رسیده تا تکمله آن رو اصل و عمده ثبت در آن و در قرابادین
مجمع الجوامع و کرباخ شیرازی بار دیه مجهوله المائیه کرده شود و اصل و معتمد در بر رو اقوال اصحاب
کمالی را شناسد که آن رو الخصوص بلاد و اوطان بوده و یعنی در بلاد ایران بهم میرسیده و با انواع
ان و اکثر را خود دیده و شناخته مانند آنرا و کیفیه و افعال و خواص آنرا انچه رسانیده و نوشته اند
انچه در بلدان دیگر اند دیده و بعض تقلید و استماع بی تحقیق نوشته اند بر این آن کتب مقدمه و خاتمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اظهر آثار قدرته بايجاد المولدات بلا مواد وادار اطوار بدايع صنايعه باحداث
الكائنات بلا استعداد وخلق جواهر الموجودات والمادیات والصور الاصليات والمركبات
الفرعيات وضمنها بالاجناس والانواع الاشخاص الكليات والجزئيات وخص كل
وانعال والبسها بالصور والالوان والاوصاف والاشكال لانتفاع العباد وعمارة البلاد والصلوة
والسلام على حبيب القلوب الذاكرة الخاشعة وطبيب النفوس الساهية اللاهية الباعث للعباد
البرية ومنجي الخليقة من ورطة الغواية وهادية الضالة بالدعوة الى طريق الرشاد والهداية
رب العباد في يوم التناد سيد العرب وافخر المبعوث على كافة الامم محمد نا المصطفى الذي اصطفاه
الله على الانبياء بالرسالة العظمى والشفاعة الكبرى على وليه وابن عمه وخليفته من بعده واولاده
الاحد عشر الذين نزل بشأنهم انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا

امابعد بعرض اخوان الصفا وخلان الوفا ميرساند این ذره بیمقدار الراجي الى رحمة
ربه الغفار ابن سيد السند محمد هادي العقيقي العلوي محمد حسين غفر الله ذنوبه
اكثر ايام واجداد واقربا، این عاصي بيچاره طبيب ومنشاء اول علم وعمل نبوده واین جاهل بيچاره از عنفوان
شباب بخدمت والد ماجد قدس سره وجناب مستطاب الالقاب پیر ومرشد حقیقي عبد الله
وليه المنتصب اليهما بالنيابة الحسينية امني بر محمد على الحسيني مدظله العالي حاضر ميبود وكماهي حقه ماثر
خطور مينمود كه اگر در فنون خمسه طب كتابي جمع وتاليف مينمود كه جامع جميع مسايل ومطالب و
حاوي اقوال ناقده مهرة ماخره وكتب مدونه اوليه ميبود هر آينه هر طالب این فن ومنشاء این علم وعمل كما
آسان ميكرديد واز تعب وريح جمع وحمل كتب متعدده وآرام مي يافتند ليكن بسبب بضاعتي وقلة مايملي
علم وعمل وعدم حصول تجربه كافيه بمرتبه از موانع ومعوقات مي افتاد تا آنكه در سنه يكهزار ويكصد وپنجاه
وسه بحري على مهاجرها وآبائه الف الف التحية والسلام اتفاق شريف جمع وتاليف كتابي در امراض
مختصه از سر تا قدم افتاد واز ان قدري تا آخر امراض آبله اين بزبان پارسي نوشته شد وبسبب عروض
بعضي عوارض وموانع اتمام نيافته ماند در يكسنه يكهزار ويكصد وپنجاه وپنج هجري واجب الاذعان آمال
ايام الله افاده وافاضه متوجه جمع وتاليف قرابادين كرديد بزبان فارسي ترين لسق كه اولا بعض

۱۱۸۵

از برای دفع امراض و اعلال ازانند به دیگر انکه بسیاری بسبب کثرت استعمال شبانه روزی طبیعی
بدو عادی شده اند بر اکثر بسبب عوارض و موانعی چند و از عدم مراعات قوانین کلیه و
قواعد ضروریه مقرره در حفظ صحت و تجاوز از حد لایق اکثر منحرف از مزاج اصلی صحت
خود شده میگردد که مستعد مرض شده محتاج میشود بدفع و رد آن بسوی مزاج اصلی خود یعنی دستگاه
مرطبیعت بدیده زیاده آن دوا ست و از برای هر علمی بنص حدیث شریف نبوی صلعم که ما خلق الله
داء الا و خلق له شفا بین دوا حق سبحانه و تعالی شفای بسیاری از دیده و معلوم و منافعیکه خود نفس
واقع شده اند اما انچه اطبا مجربین در خواص و منافع ادویه و معالجات انها نوشته اند اقل قلیل
از بسیار و در یا قطره ایست بلکه از انهم کمتر بحکم آیه کریمه قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر
قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا و انهم اکثر لفظی و قیاسی و تخمینی و مراد از سبعین وارد در
حدیث شریف هفتاد عدد معین ست بلکه کثرت ست و بدانکه منافع مذکوره در مفردات ادویه
ادویه و همچنین تحمیل کمی آن باشد که مثلا اگر دوای یافت نشود و یا یافت شود و طبع را از ان نفرت
باشد بمعجونی که یافت شود و بدان رغبت باشد یا نفرت بسیار نباشد بدان مداوای نمایند
و همچنین غذا و دیگر انکه مثلا اصلا چون دوای را خورند و نفع از ان یافتنی ست که ثانیا از ان
رغبتی نکنند از استعمال و عادت و تبدل حالات مزاج نفعی عمده حاصل نمیکرده و اخیرا التیام و تبدل بدوای
دیگر یا بدیده همچنین در غذا این در امراض مفرده ست اما در امراض مرکبه لامحاله احتیاج بکثرت ادویه
چنانچه اتفاق الله تعالی جهان آن خواهد آمد بدانکه دوا یا مفرد ست یا مرکب و مفرد البته از سه اصناف ثلثه ست
که نبات و حیوان و جماد باشند مرکب میولف از انها خواهد بود بخلاف غذا که لامحاله نباتی و یا حیوانی
و مرکب از این هر دو ست زیرا که جماد اصلا صلاحیت غذائیت ان ندارد و کما لا یخفی ایضا
دوائی و همچنین غذا مرکب ماده و کیفیتی و صورتی دارند ماده و صورت هر دو جوهر اند و کیفیت عرض
و عرض ما عارض الجوهر ست و حرارت و برودت ست که از کیفیات فاعله آید و با عارض
ماده و ان رطوبت و یبوست ست که از کیفیات منفعله اند و تاثیر دوا بی کیفیت و هم بصورت یعنی
بصورت نوعیه و هم بخاصیت ست مفرد و مرکب اما کیفیت در اکثر مواد بدانکه غلبه و تاثیر یابواحد
از ان امور ثلثه ست به جهای و یابد و یابهر سه اما کیفیت به چند قلیل باشد و از ان عبرین در هر حال

قرار داده و اسامی مختلفه ادویه را چنانچه صاحبان کتاب مذکور کرده در همین جا یاد کرده اند ذکر نموده بلکه
در آخر کتاب در خاتمه در بعض ابواب و فصول آورده و نیز جهت اتمام فایده که در احتیاج بادویه مرکبه جمع
کتاب دیگر نماند برای آن قرابادینی ترتیب حروف تهجی ذکر نمود و مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه
مقاله اول در ادویه مفرده که تذکره نامند مقاله دوم در ادویه مرکبه که قرابادین خوانند
مخزن الادویه و تذکره اولی النهی گردانیده توقع از ناظران منصف آنکه هر جا سقم و خطای مشاهده نمایند
بعد تامل و تحقیق بلیغ بقلم اصلاح مزین سازند و در مقام خرده گیری در نیایند و ناقص و صانع
نگذارند جزاهم الله عنی خیر الجزا لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و الله الموفق مقدمه در بیان امور
چند که اطلاع بر آنها پیش از شروع در مطلوب ضرور است در ضمن چهارده فصل فصل اول در بیان
دوا و غذا و ذوالخاصیه و مرکب القوی و فاذزهر و سم و دوا مسهل و ملین و اقسام هر یک بالاجمال
فصل دوم در بیان مرکب القوی و ذوالخاصیه و تاثیر هر یک از آنها از فاذزهری و سمی فصل
سیوم در بیان مزاج و اقسام آن از حره و صفرا در جات آنها فصل چهارم در بیان طریق معرفت
امزجه ادویه و اغذیه بتجربه و قیاس فصل پنجم در بیان سبب اختلاف [illegible] و غرابت
و خواص ادویه و اساسی که نیکو متوجه بتحقیق و جمع و تالیف ادویه شده اند بالاختصار فصل ششم
در بیان طریقه اتخاذ ادویه و حفظ و حصانت آنها فصل هفتم در بیان اعمار بعض ادویه مفرده و ازمان
بقا و فوت آنها فصل هشتم در بیان آداب طعام خوردن و آب نوشیدن و اطعمه که با هم
مناسب نیست فصل نهم در دستورات احراق بعض ادویه و تخمیص و تشویه و تقلیه و تمریر و غسل
و اشمیدن چوب چنه و عنبه و شجره النبق و بعض ها و اتخاذ و صنایع و بعض ادویه و احکام هر یک
فصل دهم در بیان معرفت بعض افعال ادویه مفرده و خواص آنها فصل یازدهم در بیان
بعض اصطلاحات طبیه فصل دوازدهم در بیان بعض امراض و ان طبیه و علاجه و دگاریسه فصل سیزدهم
در بیان بعض امور متعلقه بحکم و طبیعیات فصل چهاردهم در بیان [illegible] و والد
ماجد و مولف فصل اول در بیان دوا و غذا و ذوالخاصیه و مرکب القوی و فاذزهر و سم و دوا
مسهل و ملین و اقسام هر یک بدانکه جناب اقدس باری جل ذکره از کمال لطافت و خبرت و حکمت
و نهایت رحمت و رافت سواد اوراق را بیشتر از سواد اغذیه افزوده بجهة آنکه احتیاج انسان بادویه